

# آداب تلاوت قرآن

تأليف: شيخ محمد خالدی  
(سلطان العلماء)

کفیه

www.aqeedeh.net

این کتاب از کتابخانه عقیده دریافت شده است

www.aqeedeh.com



﴿فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾  
«پس به آن بندگانم مرده به، کسانی که سخنان را می شنوند، آنگاه از بهترینش پیروی می کنند.»

کتابخانه عقیده

بزرگترین کتابخانه الکترونیکی فارسی

## « فهرست »

- ۵ ..... تلاوت قرآن بهترین عبادت است
- ۶ ..... دلی که از قرآن بی بهره باشد محزون است
- ۸ ..... عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع رسول الله ﷺ
- ۱۵ ..... آداب تلاوت قرآن
- ۲۱ ..... اوصاف قرآن
- ۲۵ ..... اوصاف قرآن از زبان دشمنان اسلام
- ۲۹ ..... بازگشت به قرآن

## تلاوت قرآن بهترین عبادت است.

بدون تردید تلاوت قرآن بهترین عبادت است؛ خاصه اگر تلاوت در نماز و در حال قیام باشد. رسول الله ﷺ می فرمایند بهترین عبادت امت من قرآن خواندن است. همچنین می فرمایند: «روز قیامت هیچ شفیع و شفاعت کننده‌ای از قرآن به خداوند نزدیک تر نیست. در جای دیگری می فرمایند: من از بین شما خواهم رفت، ولی دو واعظ را در بین شما خواهم گذاشت، یکی گویا و دیگری خاموش. واعظ گویا قرآن و واعظ خاموش مرگ است. ابن مسعود رضی الله عنه می گوید: قرآن بخوانید که مزد هر حرف آن ده حسنه است. نمی گویم که الم یک حرف است، بلکه الف یک حرف، لام یک حرف و میم یک حرف است.

امام احمد بن حنبل رضی الله عنه می فرماید: حق تعالی را به خواب دیدم. گفتم: یا رب از طریق چه چیزی تقرب به تو فضیلت بیشتری دارد؟ گفت: از طریق قرآن و تلاوت آن. گفتم اگر چه معنی آن را بفهمیم یا نفهمیم؟ فرمودند: اگر چه آن را بفهمید یا نفهمید؟

## دلی که از قرآن بی بهره باشد محزون است.

خداوند عزوجل می فرماید:

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾

«کسی که تعظیم حرمت خداوندی را به جا آورد، برای او نزد پروردگارش

بهتر است.»

تعظیم حرمت الله به معنای بزرگداشت قرآن، تعظیم پیغمبر و احترام علمای امت است. تعظیم قرآن نیز از طریق تلاوت آن و عمل کردن به دستورات آن حاصل می شود. پیامبر ﷺ می فرماید:

«خیرکم من تعلّم القرآن و علمه» (روایت از عثمان بن عفان در

کتابهای بخاری، ابوداود و ابن ماجه)

«بهترین شما کسی است که قرآن را یاد بگیرد و به دیگران بیاموزد.»

پدری که قرآن آموخته و آن را به فرزند خود می آموزد، معلمی که قرآن آموخته است و به دانش آموز خود می آموزد و کسی که برای تعلیم قرآن سعی می کند، همه دارای این فضیلت هستند.

رسول الله ﷺ می فرماید:

«الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَةِ وَالَّذِي يَقْرَأُ

الْقُرْآنَ وَيَتَتَعَعُعُ فِيهِ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌ لَهُ أَجْرَانِ» (روایت بخاری و مسلم).

رسول الله ﷺ می فرماید: «کسی که قرآن را در عین مهارت و تسلط بر آن

بخواند همراه فرشتگان گرامی است و کسی که آن را روان نداند و در خواندن آن

زحمت کشد دو اجر، یک اجر خواندن و یک اجر زحمت کشیدن را دارد».

رسول الله ﷺ می فرماید:

«مَا أَذِنَ اللَّهُ لِشَيْءٍ مَّا أَذِنَ لِنَبِيِّ حَسَنَ الصَّوْتِ يَتَعَنَّ بِالْقُرْآنِ يَجْهَرُ بِهِ»

(روایت بخاری و مسلم).

رسول الله ﷺ می فرماید: «خداوند اذن نداد به کاری مانند اذن دادش

به پیغمبر که قرآن را با صدای خوب و بلند می خواند».

در حدیثی دیگر رسول الله ﷺ می فرماید:

«إِنَّ الَّذِي لَيْسَ فِي جَوْفِهِ شَيْءٌ مِّنَ الْقُرْآنِ كَالْبَيْتِ الْحَرَبِ»

«هر کسی مقداری از قرآن را در سینه نداشته باشد مانند خانه مخروبه است».

خانه مخروبه فاقد زندگی است، سینه تهی از قرآن نیز خالی از

خیر و برکت و روشنایی است. پس با قرائت و تلاوت قرآن دل های

خود را با کلام معنوی روشن و مزین گردانیم.

## عمل به تلاوت قرآن با احترام و اتباع رسول الله ﷺ

احترام گذاشتن به رسول الله ﷺ عقیده و ایمان هر مسلمان است. این احترام گذاشتن از طریق پیروی از او و نگهداری و رعایت دستورها و فرمایش‌های او حاصل می‌شود.

خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾

«بگو ای رسول خدا اگر خدا را دوست دارید از من پیروی نمایید تا خدا شما را دوست بدارد».

زیرا دوستی خداوند برای کسانی محقق خواهد بود که از رسول او پیروی کنند. در جای دیگر می‌فرماید:

﴿مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ﴾

«کسی که فرمان رسول خدا ﷺ را گردن نهد در حقیقت فرمان خدا را گردن نهاده است».

رسول الله است که منبع رضایت خدا و موارد خشم او را برای ما مشخص ساخته است. خداوند متعال شروط قبولی ایمان را قبولی

داوری رسول الله دانسته است، آن جا که می فرماید:

﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾

«نه قسم به پروردگارت، که ایمان نمی آورند تا آن که در آنچه میانشان پیش می آید تو را داور سازند و آنگاه از داوری تو در دلهای خود ناراحتی نیابند و تسلیم فرمان تو شوند».

ایمان داشتن در تسلیم فرمان پیغمبر شدن و پیروی از رسول الله نهفته است که او فرمود:

﴿كُلُّ أُمَّتِي يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن أَبَىٰ قَالُوا وَمَنْ يُأْتِي يَارَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ مَن أَطَاعَنِي دَخَلَ الْجَنَّةَ وَمَن عَصَانِي فَقَدْ أَبَىٰ﴾

«همه امت من به بهشت می روند مگر کسانی که خودداری کنند و نخواهند. گفتند: یا رسول الله چه کسی خودداری می کند؟ فرمود: کسی که فرمان مرا بپذیرد به بهشت می رود و کسی که نافرمانی کند خودداری کرده است».

در جهان برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت، تنها یک راه وجود دارد و آن فرمان برداری از رسول الله ﷺ و احترام گذاشتن به رسول الله و احترام گذاشتن به اهل بیت، همسران، فرزندان، خویشان و اصحاب جلیل القدر آن حضرت است.

خداوند متعال می فرماید:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾



«قطعاً خداوند متعال بر این اراده کرده که پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت رسول‌الله دور کند و شما را پاکیزه و مطهر بگرداند».

پاکیزه گردانیدن اهل بیت رسول‌الله ﷺ شامل همسران، فرزندان و خویشاوندان رسول‌الله ﷺ می‌شود.

در جای دیگر می‌فرماید:

﴿وَأَزْوَاجَهُ أُمَّهَاتُ الْمُؤْمِنِينَ﴾

«همسران رسول‌الله ﷺ مادران مؤمنان (آنان را مانند مادر گرامی بدارید)».

قال رسول‌الله ﷺ:

﴿لَقَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ سُنَّتِي﴾

«بعد از خودم دو چیز باقی می‌گذارم کتاب خدا و سنتم، مادامی که به این دو چنگ بزنید گمراه نخواهید شد».

تمسک به کتاب و سنت هرگز گمراهی را دربر نخواهد داشت. واضح است که کلام‌الله و سنت رسول‌الله ﷺ هر دو با هم و همراهند. احترام اصحاب رسول خدا که جان، مال و فرزندان خود را در این راه نثار کردند در آیات بسیاری از کلام‌الله یاد شده، مثلاً در جایی خداوند متعال می‌فرماید:

﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ﴾

«به راستی که خداوند متعال از مؤمنانی که در زیر درخت (شجره بیعه الرضوان) با تو بیعت کردند خشنود است».

کسانی که خداوند از آنان خشنود است همان اصحاب و یاران پیغمبرند. همچنین در جای دیگر می فرمایند:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ﴾

«محمد پیغمبر خداست و آنهایی که همراه او هستند بر کافران سخت گیرند و در میان خودشان مهر آورند؛ آنان را همواره در رکوع و سجده می بینی. فضل و خشنودی خداوند را طالبند. سیمای خیر و طاعت در چهره هایشان از اثر سجود پیدا است».

مردمی که همراه پیغمبر بودند و خود را فدای پیغمبر کردند و از جان و مال خود در راه پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دریغ نکردند یاران او بودند. خداوند در مورد آنها فرمود:

﴿رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ﴾

«خداوند تعالی از ایشان خشنود شد و ایشان نیز از خداوند متعال خشنود گشتند».

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره یاران خود فرمود:

«خَيْرُ الْقُرُونِ قَرْنِي ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ»

«بهترین مردم، مردم عصر من هستند (مقصود از آن صحابه و یاران پیغمبر است که در بهترین قرن یعنی قرن رسول الله ﷺ و در همراهی او می زیسته اند) پس از آن کسانی که بعد از ایشان باشند دیگر مردمی که پس از ایشان باشند». باید ایشان را بزرگ بدارند و آنها را به احترام یاد کنند. این موضوع در قرآن و سنت و اجماع امت ثابت است.

خداوند می فرماید:

﴿هَلْ يُسْتَوَى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟﴾

«آیا مردم دانا و مردم نادان با همدیگر برابرند؟ خیر هرگز».

در جایی دیگر نیز می فرماید:

﴿شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ﴾

«خدای یکتا بر این گواهی داد که معبودی به حق به جز خدای یکتا نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی خداوند گواهی دادند».

در این آیه پیامبران هم در جمله اولوالعلم و دانشمندان یاد

شده اند. در جای دیگر می فرمایند:

﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾

«به راستی که دانشمندان از خدا می ترسند».

فضل و برتری دانشمندان همین است. بدین جهت هیچ گاه

نادانان با آنان برابر نخواهند بود. گواهی دادن به یکتایی خدا از روی

دلیل و واقع بهره‌ی دانشمندان است. ترس از خدا که سرآمد حکمتهاست به علما اختصاص دارد.

پیامبر ﷺ فرمودند:

«لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ يَعْرِفْ شَرَفَ كَبِيرِنَا».

«کسی که بر خردسالان رحم نیاورد و شرف بزرگان ما را نشناسد از ما نیست».

رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

«لَيْلِيَنِي مِنْكُمْ أَوْلُو الْأَحْلَامِ وَ النَّهْيِ ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ ثَلَاثًا وَ إِيَّاكُمْ وَ هَيْشَاتِ الْأَسْوَاقِ».

«پشت سر من در نماز از بین شما کسانی که دارای حلم و فضل و عقل باشند بایستند. پس از آن کسانی که در این منزلت‌ها بعد از آنان هستند قرار بگیرند» - حضرت سه بار این جمله را تکرار نمود - شما را از بلند کردن صداهای بازاری در مساجد بر حذر می‌دارم».

آنچه که بیان شد در اول فضیلت و احترام و قرائت قرآن بود و سپس آثاری بود که قرآن بعد از تلاوت از ما می‌خواست. قرآن از انسان عمل می‌خواهد و تنها دلی، آباد است که بعد از قرائت قرآن به آن عمل نماید و قرآن را سرلوحه و برنامه زندگانی خود قرار دهد. قرآن برنامه زندگانی و سعادت بشر است. آدمی را از ظلمات و تاریکی‌ها به سوی روشنایی‌ها می‌برد.

علامه اقبال در ابیاتی چنین زیبا می‌فرماید:

نقش قرآن چون که بر عالم نشست

نقشه‌های پاپ و کاهن را شکست

فاش گویم آنچه در دل مضمحل است

این کتابی نیست چیزی دیگر است

چون که در جان رفت جان دیگر شود

حال چون دیگر شود جهان دیگر شود

با مسلمان گفت جان بر کف بنه

هر چه از حاجت فزون داری بده

## آداب تلاوت قرآن

### آداب ظاهری تلاوت قرآن

۱- لازم است شخص قرآن خوان وضو داشته باشد؛ چه در حالت ایستاده و چه به صورت نشسته قرآن را بسیار با ادب بخواند. بهترین قرائت آن است که شخص در حالت ایستاده و در نماز آن را می خواند.

۲- فرد قرآن خوان باید آن را آهسته و به صورت شمرده بخواند و در آن تفکر و تأمل بنماید. زیرا رسول الله ﷺ فرموده است:

«مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي أَقَلِّ مِنْ ثَلَاثٍ لَمْ يُفْقَهُهُ» (از عبدالله بن عمر بروایت

امام ترمذی رحمته الله)

«هر کس قرآن را در کمتر از سه روز بخواند، نه قرآن او را آگاه می سازد و نه او معانی آن را درک می کند».

۳- مستحب است قرآن را با ترتیل و شمرده و با رعایت

تجوید بخوانیم.

۴- باید حق هر آیه را رعایت کنیم. وقتی به آیه سجده می‌رسیم سجده نماییم. همچنین اگر از قرائت دیگری آیه‌ی سجده را شنیدیم و وضو داشتیم لازم است سجده کنیم.

۵- سجده تلاوت پس از خواندن آیه‌ی سجده بر قاری، سامع و مستمع بر هر سه سنت است. سجود تلاوت در قرآن چهارده تا است؛ آیه‌ی سجده، یک سجده دارد. این سجده‌های قرائت عبارتند از:

دو سجده در سوره‌ی حج، دوازده سجده دیگر در سوره‌های: الأعراف و الرعد و النحل و الإسراء و مریم و الفرقان و النمل و الم تنزیل السجدة و فصلت و النجم و الإنشقاق و اقرأ.

سجده‌ی تلاوت حکم نماز را دارد. وضو و طهارت لباس و بدن و جای نماز و رو به قبله سجده کردن در آن لازم است. سجود تلاوت در نماز تابع نماز است و در بیرون از نماز به نیت، استقبال قبله، الله اکبر تحریمیه، الله اکبر سجود برای به سجود رفتن، سلام دادن بعد از فراغت از سجود و گفتن سبحان ربی الأعلى و بحمده در سجود و گفتن اللهم لك سجدت تا آخر در سجود، به همه‌ی این‌ها نیاز دارد. در صحیحین (بخاری و مسلم) این روایت از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما وارد شده:

«كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَقْرَأُ الْقُرْآنَ فَيَقْرَأُ السُّورَةَ فِيهَا سَجْدَةٌ فَسَجْدُ مَعَهُ حَتَّىٰ مَا يَجِدُ بَعْضًا مَوْضِعًا لِمَكَانَ جَهَنَّمِ»

«رسول الله ﷺ سوره‌ای از قرآن را می‌خواند که در آن سوره سجود تلاوت بود. ایشان به سجود می‌رفتند. ما هم همراه ایشان به سجود می‌رفتیم، تا جایی که بعضی از ما (یاران پیغمبر) برای نهادن پیشانی‌شان بر زمین جایی نمی‌یافت.»

۶- اگر در مسجد قرار داریم و یا در جایی که احتمال می‌رود قرائت قرآن ما سبب آزار دیگران شود و یا مزاحمتی برای آن‌ها ایجاد نماید و باعث حواس‌پرتی دیگران در نماز شود، بهتر است قرآن را آهسته بخوانیم.

۷- در شروع قرائت قرآن نخست اعوذ بالله من الشیطان الرجیم می‌گوییم؛ چون خداوند عز و جل می‌فرماید:

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾

«آنگاه که قرآن را می‌خواهی تلاوت کنی از شیطان رجیم به خدا پناه ببر.»



### آداب باطنی تلاوت قرآن

۱- لازم است شخص قرآن خوان تلاوتش همراه با تعظیم و تدبر باشد. زیرا خداوند به بندگان خود بی نهایت لطف و عنایت کرده است که قرآن را از عرش جلال خود به درجه فهم و درک آنها نازل فرموده است. پس بنگریم خداوند چه لطفی در حق بندگان خود مرحمت فرموده است، به طوری که حتی مفاهیم و معانی کلام خود را که صفت ذات مبارک اوست درخور درک انسان قرار داده است. بنگریم که چگونه آن صفت قدیم و قائم به ذات خود را در قالب الفاظ و اصوات که لازمه‌ی صفات آدمی است متجلی ساخته است. چون انسان از درک صفات خداوند عاجز و ناتوان است و تنها در قالب صفات آدمی می‌تواند آنها را درک کند.

۲- قرآن خوان باید به محض تلاوت قرآن عظمت گوینده‌ی آن را در دل خود مستحضر نماید و چنان احساس کند که او مبلغ قرآن است و چنان بیندازد که خداوند به وسیله‌ی قرآن او را مورد خطاب قرار می‌دهد.

۳- با سکینه، آرامش و تدبر و تفکر، صبر و استجابت به تلاوت قرآن کریم بپردازید. امام مسلم رضی الله عنه از حذیفه بن یمان رضی الله عنه روایت کرده که می‌گوید: شبی با پیامبر به نماز ایستادم. آن حضرت

سوره‌ی بقره را قرائت نمودند. در دل گفتم چون صد آیه را بخواند رکوع خواهد نمود ولی آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آیه صدم هم گذشت. در دل گفتم چون سوره‌ی بقره را تمام کند، رکوع می‌کند، ولی آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوره‌ی بقره را تمام کردند و سوره‌ی آل عمران و سوره‌ی نساء و بعد سوره‌ی مائده را نیز خواندند. قرائت‌شان آرام و باترتیل بود. البته این عادت و شیوه پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و صحابه کرام رضوان الله عليهم اجمعین و تابعین رحمهم الله در پیروی از آن حضرت بود که با تدبر و تأمل و وقوف در مفاهیم و معانی آیات کلام الهی عنایت خاصی داشتند.

۴- وقتی که مشغول تلاوت قرآن هستید به یاد آورید که خداوند با شما در حال حرف زدن است. اصل این موضوع در حدیثی آمده که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: وقتی یکی از شما اراده سخن گفتن خود با خدا را دارد نماز بخواند و اگر می‌خواهد خدا با او سخن بگوید قرآن را تلاوت نماید.



## اوصاف قرآن

قرآن کریم کتاب جاویدان و دستور بزرگ خداوند عزوجل است که بر جهانیان نازل فرموده است. با فرود آمدن این کتاب نزول همه کتاب‌های آسمانی پایان پذیرفت و با ارسال پیامبر بزرگ اسلام رسالت پیامبران قبلی منسوخ اعلام گردید. دین اسلام نیز از هر حیث کامل‌ترین و جامع‌ترین ادیان آسمانی و خاتم همه‌ی ادیان قرار گرفت. بدون شک قرآن، دستور خالق عزوجل جهت اصلاح خلق و رساله‌ای آسمانی به زمین و قانون جاویدانی جهت نظم زمین می‌باشد.

قرآن، عظیم‌ترین برهان و آیه‌ی رسالت رسول امین حضرت محمد ﷺ است و در همه‌ی اعصار دلیل بزرگی بر صداقت، حقانیت، امانت‌داری، رسالت و نبوت آن حضرت ﷺ به شمار می‌رود. قرآن دلیل حقانیت رسالت و نبوت آن حضرت ﷺ به شمار می‌رود. قرآن بر روح‌ها و روان‌های آدمی بی‌نهایت تأثیرگذار است؛ در فاصله‌ای اندک آدمی را متحول و دگرگون می‌کند و همین تأثیر قرآن بود که توانست روند تاریخ را تغییر دهد.

مع الوصف در محدوده‌ی عربستان توقف ننموده، بلکه به تمام جهان رسید و همه را متحد، یک دست و با هم نزدیک نمود. در نتیجه امت واحدی را به وجود آورد و بشریت را که در آستانه‌ی سقوط به گودال نیستی و بدبختی بود رهایی بخشید. گویا به آنان خلقت و حیات تازه‌ای داد و سرافراز و سربلندشان نمود.

قرآن عظیم ستون و تکیه‌گاه زبان عربی است. زیرا بقاء صفا، سلامتی، سلاست، فصاحت و خالصیت زبان عربی کاملاً وابسته به آن است؛ به گونه‌ای که زبان عربی در همه اقشار و اقسامش از آن استمداد می‌جوید و به وسیله‌ی قرآن است که بر سایر زبان‌ها در سبک و محتوا تفوق و برتری یافته است.

قرآن عظیم آیت بزرگ خداوند است. باید گفت که این آیت و معجزه، فرق کلی با دیگر آیات و معجزات داشته و انوار و اسرار آن با دیگران تفاوت کلی دارد. زیرا این قرآن کلام خداند تبارک و تعالی است. همو که حی و قیوم است و ملکوت آسمان‌ها و زمین را در ید قدرت خود دارد و بر همه چیز قادر و توانا است.

قرآن عظیم در لغت، نظم و اسلوب، هدایت و علوم برای همه‌ی مردم معجزه بود؛ به گونه‌ای که همه‌ی ادیبان و سخنوران از آوردنِ همانند آن عاجز گردیدند. مشهورترین ادیبان و شعرا در مقابل اعجاز آن لال و بی‌زبان شدند. چنانچه پوشیده نیست که قرآن کریم

انس و جن را در این که سوره‌ای مثل قرآن را بیاورند به مبارزه طلبیده است. احدی قدرت ارائه‌ی جواب را نداشته و ناگزیر همه‌ی کسانی که قصد معارضه با قرآن را داشتند تا امروز و تا قیام قیامت به سکوت متوسل شدند و می‌شوند.

حتی رسول اکرم حضرت محمد ﷺ که قرآن بر وی نازل گردید این استطاعت را نداشت که با مواهب بزرگی خود سوره‌ای کوتاه و یا دراز بیاورد. در این باره آیاتی صریح و گویا وجود دارد. نبی کریم ﷺ نیز مانند دیگر مردم از ارائه‌ی مثل قرآن عاجز بود. آیه‌ای که خداوند عز و جل طی آن به پیامبرش امر فرمود تا هنگام مبارزه طلبی به مردم بگوید و برای‌شان قرائت نماید و از آن استدلال بر نبوت و رسالت خویش بنماید همین نکته را می‌رساند:

﴿وَ إِذَا تَتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا اِنَّتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَذَا اَوْ بَدَّلْتَهُ فُلُ مَا يَكُوْنُ لِي اَنْ اُبَدِّلَهُ مِنْ تَلْقَايَ نَفْسِي اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوْحٰى اِلَيَّ اِنِّي اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيْمٍ قُلْ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا اَدْرٰكُمْ بِهٖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيْكُمْ عُمْرًا مِّنْ قَبْلِهٖ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ﴾

(سوره‌ی یونس، آیات ۱۵-۱۶)

«چون بر آن‌ها (کفار) آیات بینهات ما خوانده شود آنان که امید ملاقات ما را ندارند می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور و یا این قرآن را بدل گردان. بگو: برای من

این مقدور نیست که از جانب خود آن را بدل گردانم. جز از آن چه که برایم فرستاده شده است پیروی نمی‌کنم. من اگر خداوند خود را نافرمانی نمایم از عذاب روز بزرگ می‌ترسم. بگو اگر خدا نمی‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم و نه شما را از آن باخبر می‌ساختم. یقیناً در بین شما عمری پیش از آن به سر برده‌ام (و از وحی و قرآن چیزی نمی‌دانسته‌ام) آیا تعقل نمی‌ورزید؟»

قرآن عظیم حائز شیوهی دقیقی است. هم‌ه‌اش خرده‌ها را مخاطب قرار می‌دهد. نظم و اسلوب شگرف و عجیب آن نیز از اسلوب و نظم واحدی پیروی نمی‌کند. بلکه به سوره‌های کوچک و بزرگ، آیات بزرگ و کوچک و متن‌های آرام و کوبنده تقسیم شده است. به گونه‌ای که عدد آیات برخی از این سوره‌ها از صد آیه نیز تجاوز می‌کند. آیات برخی سوره‌های دیگر از ده، هفت، سه و ... بیشتر نیست. در درازی و کوتاهی فواصل و مقاطع این آیات تفاوت اساسی به چشم می‌خورد. چنانچه برخی آیات متفق الفواصل و بعضی هم مختلف الفواصل‌اند. حکمت این امر نیز در شمولیت آیات قرآنی و حایز بودن مسائل، احکام و مفاهیم عالی، اسماء خداوند و آیه‌ها و نشانه‌های هستی می‌باشد؛ به گونه‌ای که هر آیه‌ای مطلب خاصی را بیان می‌دارد. راجع به احکام، آداب، پندها، امثال، قصص، اخبار و ... بحث شده است. این است که در برابر این هماهنگی و نظم خاص قرآنی همه‌ی ادیبان، شاعران و سخنوران به عجز خویش اعتراف ورزیده‌اند و تسلیم آن شده‌اند.

## اوصاف قرآن از زبان دشمنان اسلام

در این بحث می‌خواهم یکی از شهادت‌های سرسخت‌ترین دشمنان اسلام و قرآن کریم را که خود یکی از بزرگان کفار قریش بود ذکر کنم. زیرا این وصف از لحاظ این که گفته و اعتراف دشمن است بدون شک قابل توجه و دقت بوده است<sup>(۱)</sup> می‌توان ادعا کرد که این بزرگترین دلیل عجز دشمنان قرآن در برابر آن است. حاکم در کتاب دلائل النبوة به روایت از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما چنین نقل می‌کند:

در یکی از روزها ولید بن مغیره‌ی مخزومی که از رؤسای معروف قریش بود نزد پیامبر بزرگ اسلام ﷺ آمد. آن حضرت ﷺ قرآن را بر او خواند. ولید سخت تحت تأثیر قرار گرفت و به عنوان دل‌سوزی چنین گفت: شگفتا! پسر ابی‌کبشه (مراد حضرت محمد ﷺ بود). چه می‌گوید. قسم به خدا، گفته او به شعر و سحر شباهتی نداشته و

---

۱- خوش‌تر آن باشد که سرّ دلبران گفته آید در حدیث دیگران



لهو و لعب نیست و نه می توان گفت پرخاشگری است که نشانه‌ی جنون باشد. یقیناً آن چه او می گوید کلام خداوند عزوجل است.

چون گروهی از قریش این خبر (اعتراف ولیدبن مغیره) را شنیدند، فوراً اجتماعی تشکیل دادند و چنین اظهار نمودند که اگر ولید از آیین آباء و اجدادش بیرون شود و آن را ترک نماید بدون شک همه قریش آیین آبایی‌شان را ترک خواهند نمود. وقتی این خبر به گوش ابوجهل رسید بلافاصله به سوی خانه او حرکت نمود. چون در خانه با هم ملاقات کردند، ابوجهل چنین صحبت را آغاز نمود: عموی عزیز، می دانی که قوم حاضر شده‌اند برای تو مال و پول جمع کنند؛ با این وجود تو نزد محمد ﷺ رفته و حرف‌های قوم و پیشینیان خود را نقض داشته‌ای و اعتراف نموده‌ای که اقوال و گفته‌های او آسمانی است. ولید پاسخ داد: قریش همه به خوبی می دانند که از همه‌شان بیشتر مال و پول دارم. لذا احتیاجی به مال آنها ندارم. در این هنگام ابوجهل گفت: قبول است. پس خواهش می‌کنم درباره‌ی محمد ﷺ چیزی بگو تا همه مردم و قبیله متقاعد شوند و بپذیرند که تو از محمد ﷺ متنفری و نسبت به او انزجارت را اعلام داشته‌ای. ولید گفت: چه بگویم؟ قسم به خدا، شخصی در میان شما وجود ندارد که عالم‌تر و دانشمندتر از من در قصیده، سجع و قافیه‌ی شعر باشد. سوگند به خدا آن چه این مرد (محمد ﷺ) می گوید هیچ

گونه شباهتی به این چیزها (اشعار و یا گفتار جنیان) ندارد. سوگند به خدا که در گفته‌های او یک نوع حلاوت و شیرینی وجود دارد و از طراوت و تازگی به خصوصی برخوردار است. آغاز گفتارش مثمر و نتیجه‌بخش و آخرش مفید و لذت‌آور است. در تمامی حرف‌هایش فیوضات فراوانی نهفته است. مهم‌ترین که گفتارش عالی است. هیچ گفته‌ای از آن برتری ندارد. بر هر چیز چیره می‌گردد و چیزی نمی‌تواند بر او چیره شود.

ابوجهل گفت: قسم به خدا تا چیزی درباره او نگویی قوم از تو راضی نخواهد شد. در این هنگام ولید مهلت خواست و تقاضا نمود تا اجازه‌ی تفکر در این باره به او داده شود. بعد از مدتی اندیشیدن چنین اظهار نظر کرد:

گفتار محمد ﷺ جادویی است که از ساحران دیگر تأثیر پذیرفته است.

خداوند جهت آگاهی مسلمین در سوره‌ی مدثر چنین می‌فرماید: بگذار مرا با کسی که او را تنها آفریده‌ام، به او مال فراوان داده‌ام و با فرزندان حاضر. بسیار به او میدان و امکان دادم. باز طمع می‌ورزد که افزون سازم. چنین نیست. بی‌گمان او در حق آیات ما ستیزه‌جو بود. او را به کار سختی خواهم گمارد. هر آینه او تأمل نمود و اندازه مقرر کرد. پس کشته باد (لعنت باد) چگونه اندازه کرد؟ بار بار

نگریست و باز رو ترش کرد و پیشانی در هم کشید. باز پشت گرداند و تکبر کرد و گفت: نیست قرآن مگر جادویی که از ساحران نقل می‌شود؛ نیست این قرآن مگر کلام آدمی. او را در دوزخ خواهم آورد و چه چیز تو را مطلع ساخت که دوزخ چیست؟ باقی نمی‌گذارد و ترک نمی‌کند. برای آدمیان سوزنده است. بر دوزخ نوزده کس گمارده شده‌اند.

## بازگشت به قرآن

این بحث را با اشعاری از علامه اقبال لاهوری شاعر و دانشمند معروف جهان اسلام آغاز می‌کنیم. وی در وصف قرآن کریم و بیداری مسلمین در بازگشت به قرآن می‌گوید:

آن کتابِ زنده قرآن و حکیم      حکمت او لایزال است و قدیم  
نسخه‌های اسرار تکوین حیات      بی‌ثبات از قول او گیرد حیات  
نوع انسان را پیام آخرین      حامل او رحمة للعالمین  
رهزنان از حفظ او رهبر شدند      از کتابی صاحب دفتر شدند  
بنگر آن سرمایه‌ی آمال ما      گنجد اندر سینه‌ی اطفال ما  
با کمال اطمینان باید بگوییم در وعده‌ی خدایی هیچ گونه  
شکی نیست. مؤمنان راستین هرگز شکست نمی‌خورند. هر وقت که  
در تاریخ خود کاملاً مغلوب شده‌اند ناچار شکاف در حصار ایمان از  
راه احساس یا عمل پیدا شده است. شکست انسان متناسب با همین  
شکاف است. پس از آن دوباره پیروزی از آن مؤمنان بوده است. اگر  
در طول تاریخ مسلمانان، آنگاه که پرچم پیروزی از دست آن‌ها ربوده

شده نیک دقت کنیم، خواهیم دید که علتی از این نوع وجود داشته است. باید گفت که وعده‌ی خدا همه وقت بر حق بوده و خواهد بود. آری، آزمایش و ابتلاء ما دربردارنده‌ی حکمتی است. این حکمت عبارت است از کامل شدن حقیقت ایمان و بیدار شدن آن در سینه‌ها. هر وقت ایمان به مرحله‌ی کمال رسید و یا ابتلا به صورت نیرومندی برانگیخته شد، پیروزی می‌رسد و وعده‌ی خدا تحقق پیدا می‌کند. چیرگی کافران بر ما آن روز نیست که در میدان نبرد پیروز شوند، بلکه آن روز است که بر روان‌های ما چیره شوند و چنان بینداریم که نیروی آنان شکست‌ناپذیر است. خود را در برابر آنان کوچک و ناتوان بدانیم و امید کامیابی نداشته باشیم. در آن هنگام که قرآن می‌گوید: خداوند هرگز برای کافران در برابر مسلمانان راهی قرار نخواهد داد. نظر به روح مؤمنی دارد که پیروز می‌شود و نظر به فکر مؤمنی دارد که غلبه با اوست. میان ما و پیروزی در هر زمان و مکان اینقدر فاصله است که حقیقت ایمان را در خود کامل کنیم. یکی از حقایق ایمان آن است که به دشمنان خود اعتماد و تکیه نداشته باشیم. جز از خداوند بزرگ از دیگری طلب عزت و نیرومندی نکنیم. هیچ‌کس نباید چنین بگوید که از ایشان کسب نیرو می‌کنیم تا نیرومند شویم؛ چه این گفته خود نخستین گام در راه شکست است.

اکنون وضع ما با دشمنان در اثر فاصله گرفتن از قرآن و اسلام

درست به مثابه‌ی روبرو شدن ظاهر ایمان با حقیقت کفر است. به همین جهت است که آنان بر ما چیره و پیروز می‌شوند. آنان به خدا کافرند ولی به ماده ایمان دارند، اگر چه ماده کوچک است ولی حقیقت دارد.

بارالهی! روز بازگشت ما به قرآن نزدیک است؛ بازگشت به مکتب نجات‌بخش اسلام، بازگشت به فرامین و دستورات الهی و به سنت گهربار رسول‌الله ﷺ، بازگشت به افتخارات دیرینه‌ی اسلام و مسلمین. و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.